



# جنگ کارگری

نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)  
شماره ۱

توضیحاتی در باره آغاز انتشار "جنگ کارگری" هفته

به اطلاع خوانندگان و مخاطبان گرامی می‌رسانیم که از این پس هر پنجشنبه مجموعه‌ای از مسائل کارگری را که توسط گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) تهیه و تنظیم می‌شود به صورت جنگ کارگری هفته با مسئولیت گروه کار کارگری منتشر خواهد شد. مطالب "جنگ کارگری" عمدتاً تحلیلی و شامل، یادداشت کارگری، از تجربیات دیگران، منتخبی از رویدادهای سندیکایی خارجی و داخلی و مطالب مشابه انتخاب خواهند شد هدف از انتشار "جنگ هفتگی" پیگیری منظم رویدادهای کارگری، مساعدت به فعالیت‌های سندیکایی، انتقال تجربیات جنبش‌های کارگری و سندیکایی، حمایت از حقوق کارگران و مزدگیران بیدی و فکری و بازتاب و اشاعه نظرات حزب چپ ایران (فدائیان خلق) در این موارد در میان زحمتکشان است. دست همه کسانی را که بخواهند در این چهار چوب با "جنگ کارگری" همکاری کنند، بویژه فعالین سندیکایی و علاقمندان به مسائل کارگری را می‌فشاریم و از همکاری‌شان استقبال می‌کنیم.

گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

دی ۱۳۹۷





# جنگ کارگری

نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فداییان خلق)  
شماره ۱

## اعتراضات معیشتی دامن می‌گیرند



### صادق کار

اعلام افزایش ۲۰ درصد به حقوق و دستمزدها در حالی اعلام می‌شود، که نرخ تورم نقطه به نقطه به گفته کارشناسان اقتصادی به شدت افزایش یافته و صحبت از نرخ تورم بالای ۳۰ درصد در میان است؛ بنا به گفته تعدادی از کارشناسان مستقل، ارزش دستمزد و حقوق تا ۶۰ درصد افت کرده است.

## زنان در هفت‌تپه



### مراد رضایی

یک زن در قامت یک رهبر کارگری ظاهر شده و مواضع کارگران معترض را اعلام می‌کند و از عملکرد زنان در اعتراضات هفت‌تپه سخن می‌گوید. اهمیت این اتفاق وقتی روشن‌تر می‌شود که آن را در بستر جامعه‌ی ایران که زنان در آن برای حق پوشش اختیاری خود مبارزه می‌کنند و ورودشان به استادیوم فوتبال ممنوع است ببینیم.

## سندیکای آزاد و مستقل آری، شورای اسلامی کار، نه



### علی صمد

برای عبور از بن‌بست قانونی تشکل‌یابی کارگران نمی‌توان به قوانین جمهوری اسلامی متوسل شد. عبور از این موانع بسیار دشوار و سخت است و کارگران در هر واحد صنعتی، خدماتی و دولتی می‌بایست خود ابتکار تشکیل سندیکاهای آزاد و مستقل را به‌صورت علنی و مستقیم به عهده بگیرند.

## اتحادیه‌های کارگری و بنای یک بکریندی اعتراضی ویژه تونس - بخش اول



### مجد صالح عمری

ارتباط بین اتحادیه عمومی و انقلاب یک اتفاق طبیعی بشمار می‌رفت، چراکه خواست توده مردم - مشخصاً اشتغال، کرامت ملی و آزادی - همواره بخش عمده‌ای از برنامه اتحادیه بوده است. اتحادیه البته در مناطق دوردست که مرکز اشتغال انقلاب و ناآرامی‌ها بود نیز حضور فعال داشت.



# جنگ کارگری

نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فداییان خلق)  
شماره ۱

## چرا هنوز این همه شعل وجود دارد؟



### دیوید اچ. اوتور

پیشرفت تکنولوژیکی، تازان به جلو، می رود تا برخی از انسانها، و حتی شاید بسیاری از انسانها، را پشت سر باقی بگذارد. چنانکه ما نشان دادیم، برای کارگرانی با مهارت‌های خاص یا تحصیلات مناسب، هرگز زمانی بهتر از حالا وجود نداشته است، زیرا این گروه از کارگران می‌توانند تکنولوژی را برای خلق و تسخیر ارزش به کارگیرند.

## اعتراضات معیشتی دامن میگیرند



پنجشنبه ۱۳ دی ۱۳۹۷ - ۳ ژانویه ۲۰۱۹

**اعلام افزایش ۲۰ درصد به حقوق و دستمزدها در حالی اعلام می‌شود، که نرخ تورم نقطه به نقطه به گفته کارشناسان اقتصادی به شدت افزایش یافته و صحبت از نرخ تورم بالای ۳۰ درصد در میان است؛ بنا به گفته تعدادی از کارشناسان مستقل، ارزش دستمزد و حقوق تا ۶۰ درصد آفت کرده است.**

### صادق کار

در ۱۲ دی ماه برای چندمین بار هزاران کارگر، کارمند و معلم به دعوت سازمان‌های بازنشستگان در تهران، مشهد و چند شهر دیگر به خیابان‌ها آمدند، تا نسبت به کمی حقوق بازنشستگی و وضعیت نامساعد معیشتی‌شان اعتراض کنند. تظاهرکنندگان که قبل از ارائه برنامه بودجه سال آینده به منظور فشار آوردن به دولت برای اختصاص بودجه جهت افزایش حقوق بازنشستگی به خیابان آمده بودند، پس از اینکه فهمیدند افزایش حقوق چندانی برای آن‌ها در بودجه منظور نشده است و روحانی گفت دستمزدها را در سال آینده ۲۰ درصد اضافه می‌کند، چنان به خشم آمدند که این بار نیز چاره‌ای جز توسل به اعتراض خیابانی برای حل مشکلاتشان نیافتند.

اعلام افزایش ۲۰ درصد به حقوق و دستمزدها در حالی اعلام می‌شود، که نرخ تورم نقطه به نقطه به گفته کارشناسان اقتصادی به شدت افزایش یافته و صحبت از نرخ تورم بالای ۳۰ درصد در میان است؛ بنا به گفته تعدادی از کارشناسان مستقل، ارزش دستمزد و حقوق تا ۶۰ درصد آفت کرده است. وضعیت بودجه سال آینده دولت نیز به شکلی است که موجب نگرانی و ناامیدی مردم عادی و مزدبگیران گردیده و این نارضایتی‌ها را به وضوح در گزارش‌ها و بحث‌هایی که در رسانه‌های داخل و خارج جاری است می‌توان دید. به همین جهت بعید نیست که اعتراضات گسترده‌ی تازه‌ای نظر به وضعیت بد معیشتی زحمت‌کشان و حداقل بگیران رخ دهد و تظاهرات امروز بازنشستگان نقطه آغاز آن‌ها باشد.

تظاهرات ۱۲ دی بازنشستگان در عین حال خصوصاتی داشت که در تظاهرات پیشین کمتر دیده می‌شد. یکی از ویژگی‌های این اعتراضات انسجام و سازمان‌یافتگی آن‌ها بخصوص در تهران بود. ویژگی دیگر تجمع تهران این بود که گروه‌های مختلف بازنشستگان مشترک این تجمعات را برگزار کردند و اتفاق نظر میان آن‌ها را که در قطعنامه شان هم مشخص بود می‌شد تشخیص داد. ویژگی دیگر تجمع تهران تلفیق مطالبات سیاسی و صنفی‌شان بود که گروه‌های زیادی را پوشش می‌داد. و بیشتر این محسنات مدیون سه تشکلی است که سازمان‌دهی و هدایت تجمع را به طور مشترک به عهده داشتند و تجربه مفیدی است که در موارد بعدی می‌شود از آن بهره گرفت.



# جنگ کارگری

## نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فداییان خلق) شماره ۱

در قطعنامه ۷ ماده‌ای که توسط تجمع‌کنندگان در پایان تجمع مقابل مجلس منتشر شد، آن‌ها خواستار، ارتقاء سطح دریافتی حقوق‌بگیران و مستمری‌بگیران به میزان بالاتر از خط فقر، همترازی حقوق با شاغلین، توقف تعرض به منابع و امکانات صندوق‌ها، اعاده منابع صندوق‌های بازنشستگی و جبران خسارت و استرداد بدهی‌های دولت به صندوق‌ها و ایجاد سازوکار مناسب به منظور کنترل و نظارت بر آن‌ها توسط منتخبین واقعی بازنشستگان، لغو بیمه‌های تکمیلی و برقراری بیمه کارآمد و رایگان، توقف سیاست و برنامه‌های خصوصی‌سازی در عرصه‌های تولید، آموزش، بهداشت و درمان و خدمات عمومی، توقف روند پرونده‌سازی و پیگردهای قضایی و امنیتی برای فعالین صنفی و اجتماعی و آزادی فوری و بی‌قیدوشرط کلیه فعالین صنفی و اجتماعی

به رسمیت شناختن حق ایجاد تشکل‌های مستقل بازنشستگان، شدند. با این که انگیزه‌های اقتصادی و فشار معیشتی محرک اصلی این تجمعات اعتراضی هستند مع‌هذا همان‌طور که در قطعنامه و شعارهای معترضین مشهود است، چند خواست سیاسی، بسیار مهم که مشابه شعارهای اعتصابات خوزستان و معلمان و کشاورزان و به عبارتی بخشی از مطالبات سرتاسری ماه‌های اخیر هستند، مانند، مخالفت با خصوصی‌سازی، توقف روند پرونده‌سازی برای فعالین صنفی، آزادی فوری فعالین صنفی و اجتماعی نیز جز خواسته‌های تجمع‌کنندگان بود.

تلفیق مطالبات صنفی با سیاسی مدتی است که در بین مطالبه‌گران صنفی رایج و در حال دامن گرفتن است و طبیعی هم هست. دو عامل عمده در این خصوص باید نقش داشته باشند. عامل اول، شناخت معترضین از رابطه‌ای است که بین سیاست و حقوق صنفی وجود دارد، و مدت‌ها بود که سعی می‌شد از دید مردم پنهان نگاه داشته شود. اکنون دیگر تنها چپ‌ها نیستند که با خصوصی‌سازی مخالفت می‌کنند، توده کارگران، معلمان، بازنشستگان هم هر یک که اثر خصوصی‌سازی را در معیشت، بهداشت و تمام شئون زندگی‌شان به عینه می‌بینند هر یک به شکلی و دلیلی با آن مخالفت می‌کنند. دیگر تنها چپ‌ها نیستند که از حقوق سندیکای کارگران حمایت می‌کنند، توده مزدبگیران هم بیشتر از بقیه از آن حمایت می‌کنند، چون اهمیت و رابطه‌اش را با سیاست درک می‌کنند. دیگر شمار قلیلی روشنفکر نیستند که با پیگرد فعالین سیاسی و سندیکایی و حقوق بشری مخالفت می‌ورزند و برای آزادی زندانیان تلاش و مبارزه می‌کنند، بازنشستگان از طریق بیمه تکمیلی و گران شدن هزینه درمان، با خصوصی‌سازی، رابطه برقرار می‌کنند و اثر منفی‌اش را در معیشت و درمان و زندگی تجربه می‌کنند، معلمان از طریق مشاهده سقوط وضعیت آموزش و پرورش و پر شدن خیابان‌های شهرهای بزرگ از کودکان کار و خیابانی و باز مانده از تحصیل و طبقاتی و کالایی شدن آموزش، کارگران با مقررات زدایی و سقوط دستمزد و سرکوب و رواج مناسبات شبه برداری در واحدهای خصوصی شده، به‌همین دلیل است که مخالفت با خصوصی‌سازی به یکی از حلقه‌ها پیوند دهنده گروه‌های مختلف مزدبگیران تبدیل شده است.

این مسائل دارند همه گیر می‌شوند. آن را باید به فال نیک گرفت. عامل دوم مقاومت سر سخنان و سرکوبگرانه حکومت در مقابل مطالبات معیشتی مردمی است که از فقر و بی‌عدالتی و ستمگری سرکوبگران حاکم جان به لب شده‌اند و حکومت به هیچ‌کدام از خواست‌های بر حق صنفی و معیشتی‌شان پاسخ مثبت نمی‌دهد.



# جنگ کارگری

نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فداییان خلق)  
شماره ۱

## زنان در هفت‌تپه



یک زن در قامت یک رهبر کارگری ظاهر شده و مواضع کارگران معترض را اعلام می‌کند و از عملکرد زنان در اعتراضات هفت‌تپه سخن می‌گوید. اهمیت این اتفاق وقتی روشن‌تر می‌شود که آن را در بستر جامعه‌ی ایران که زنان در آن برای حق پوشش اختیاری خود مبارزه می‌کنند و ورودشان به استادیوم فوتبال ممنوع است ببینیم.

### مراد رضایی

جنبش اجتماعی عظیمی که حول هفت‌تپه شکل گرفت، تمام نگاه‌ها را به خود معطوف کرد و توانست حمایت گروه‌های اجتماعی مختلف را جلب کند، محصول یک اتفاق خلق‌الساعه نبود. هیچ اتفاق سیاسی- اجتماعی مهمی، بدون وجود بستری مساعد و زمینه‌ی اجتماعی لازم به وقوع نمی‌پیوندد. هفت‌تپه نیز از این امر مستثنا نیست. تکامل تدریجی بستر سیاسی و اجتماعی هفت‌تپه، کارگران این مجموعه را به آن سطح از آگاهی مسلح کرد که بتوانند در مقابل تمایل سیاست‌های نئولیبرالیستی دولت برای خصوصی‌سازی مقاومت کنند و با انتخاب نمایندگان خود، این مقاومت را نهادینه سازند. وقتی ابزار اعتصاب از سوی دولت کارفرما بی‌پاسخ ماند، کارگران هفت‌تپه به خیابان آمدند و در یک سازماندهی منسجم یک ماه با همراهی تمام اقشار جامعه در شهر شوش، مطالباتشان را یک‌صدا فریاد زدند.

بازخوانی آنچه در هفت‌تپه گذشت از این حیث اهمیت دارد که می‌توان در وقایع آتی جنبش کارگری به تجربیات کارگران نیشکر هفت‌تپه تکیه کرد و از آن‌ها آموخت. با این نگاه هر قدمی در جنبش کارگری صرف‌نظر از موفقیت یا عدم موفقیت آن، یک پیروزی تلقی می‌شود. زیرا حداقل به تجربیات جنبش افزوده و راه را برای آینده هموارتر کرده است.

اینکه حرکت کارگران هفت‌تپه در ماهیت خود حائز محتوای مترقی بود بر کسی پوشیده نیست. نفس اعتصاب یک حرکت مترقی با قدرت‌نمایی سیاسی کارگران است. کارگران در اعتصاب مؤکداً ثابت می‌کنند بخش اصلی تولید و نیروی محرکه‌ی حیات اجتماعی هستند. علاوه بر این در اعتصاب مدیریت وضعیت کارخانه نیز به دست کارگران است و در مدیریت دوگانه‌ای که صورت می‌گیرد، هیمره‌ی پوشالی مدیریت کارفرما فرومی‌ریزد. علاوه بر خود اعتصاب، کارگران هفت‌تپه در تجمعات خود از شعارهای مترقی‌ای همچون «نان، کار، آزادی» استفاده می‌کردند و اثری از شعارهای ارتجاعی و فاشیستی در این تجمعات نبود.

اما وجوه مترقی اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه به این امور محدود نمی‌شود. یک نکته‌ی بسیار مهم در این اعتراضات، حضور زنان در سطوح مختلف بود. ویدئویی از تجمع کارگران در محوطه‌ی کارخانه منتشر شده بود که نشان می‌داد یک زن در قامت یک رهبر کارگری ظاهر شده و مواضع کارگران معترض را اعلام می‌کند و از عملکرد زنان در اعتراضات هفت‌تپه سخن می‌گوید. اهمیت این اتفاق وقتی روشن‌تر می‌شود که آن را در بستر جامعه‌ی ایران که زنان در آن برای حق پوشش اختیاری خود مبارزه می‌کنند و ورودشان به استادیوم فوتبال ممنوع است ببینیم. این سخنرانی علاوه بر این‌که درک مترقی کارگران هفت‌تپه در مورد مسئله‌ی زنان را تداعی می‌کند، بلکه با تأکید نشان می‌دهد که در صورت وجود شرایط برابر زنان می‌توانند نقش اجتماعی مؤثر بر عهده بگیرند.

دخالت‌گری زنان در اعتراضات هفت‌تپه تنها یک سخنرانی یک رهبر کارگری نبود. در تجمعات هفت‌تپه زنان کارگران و همچنین همسران مردان کارگر، در صف اول اعتراضات بودند و صحنه‌ی تجمع را با تمام توان مدیریت می‌کردند. علاوه بر این بازنمایی‌های بیرونی، زنان در پشت‌صحنه‌ی اعتراضات نیز حضور پررنگ و فعالی داشتند. در تمام روزهای اعتصاب در کارخانه، زنان نقش تدارکات اعتصاب را بر عهده داشتند و تمام‌قد از اعتراضات هفت‌تپه پشتیبانی کردند.

توجه به حضور و تأثیر زنان در اعتراضات هفت‌تپه علاوه بر تقویت گفت‌وگو میان حضور زنان در جنبش کارگری، از این جهت مهم است که تمام اعتراضات حال حاضر، در شکل دادن به ایران فردا مؤثر خواهند بود. اگر ایران فردا را کشوری بدون تبعیض جنسی، و بدون ساختار مردسالارانه می‌خواهیم، لازم است بر اعتراضاتی که از همین امروز این مسائل را در بطن خود حل کرده‌اند، تأکید کنیم و از آن‌ها بیاموزیم.



# جنگ کارگری

نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)  
شماره ۱

سندیکای آزاد و مستقل آری، شورای اسلامی کار، نه



پنجشنبه ۱۳ دی ۱۳۹۷ - ۳ ژانویه ۲۰۱۹

برای عبور از بن بست قانونی تشکل یابی کارگران نمی توان به قوانین جمهوری اسلامی متوسل شد. عبور از این موانع بسیار دشوار و سخت است و کارگران در هر واحد صنعتی، خدماتی و دولتی می بایست خود ابتکار تشکیل سندیکاهای آزاد و مستقل را به صورت علنی و مستقیم به عهده بگیرند

علی صمد

## سندیکای مستقل و آزاد

سندیکا یا اتحادیه کارگری به سان بخشی از جامعه مدنی، سازمانی مردم نهاد و مستقل است که به نیروی خود کارگران و مزدگیران، بدون نیاز به کسب مجوز توسط کارگران تشکیل می شود قوانین و آیین نامه های سندیکاهای و اتحادیه ها توسط هیئت های مؤسس آنها تهیه و پس از تصویب در مجمع عمومی آنها، راهنمای فعالیت سندیکاهای قرار می گیرد

در مقاله نامه های بنیادین سازمان بین المللی کار عدم دخالت دولت ها و کارفرمایان مورد تأکید قرار گرفته است و دولت ها از هر نوع دخالت در امورات سندیکاهای منع شده اند. اجرا و رعایت مقاله نامه های بنیادین سازمان بین المللی کار برای همه دولت ها الزامی است. همچنین اختیار انحلال سندیکاهای به عهده مجمع عمومی کسانی است که سندیکا را تأسیس کرده اند و دولت ها و کارفرمایان حق انحلال یا تعطیل کردن سندیکاهای را ندارند. یکی از وظایف مهم سندیکاهای شرکت در مذاکرات دسته جمعی و انعقاد قرارداد با اتحادیه های کارفرمایان به نمایندگی از طرف کارگران عضو سندیکاست

## سندیکا به چه معنا؟

مقاله نامه های اساسی سازمان جهانی کار به چهار دسته تقسیم می شوند:

( یک- درباره آزادی تشکل و قراردادهای جمعی ( مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸

( دو و سه- درباره لغو کار اجباری و تبعیض ( مقاله نامه های ۱۱، ۲۹، ۱۰۰، ۱۰۵

( چهار- ممنوعیت کار کودکان ( مقاله نامه های ۱۳۸، ۱۸۲

منطقاً مناسب است سندیکاهای مستقل و آزاد طبق معیارهایی که در مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار وجود دارد، تعریف شوند. تشکیل سندیکاهای مطابق موازین تعیین شده در مقاله نامه ها از اهمیت زیادی برخوردار است

مقاله نامه ۸۷ به موضوع آزادی انجمن و حفاظت از حق سازمان یابی جمعی و مقاله نامه ۹۸ به حق سازمان یابی و چانه زنی جمعی پرداخته است. در این مقاله نامه ها روی موارد ذیل تأکید ویژه شده است

سندیکاهای باید آزادانه و مستقل تشکیل شوند؛ ۱-

اساسنامه سندیکاهای باید توسط اعضای سندیکاهای تهیه و در مجمع عمومی شان تصویب شود؛ ۲-

بدون دخالت های مستقیم و غیرمستقیم دولت باید اداره شوند؛ ۳-

هیچ کس حق انحلال و تعطیلی سندیکاهای را ندارد؛ ۴-



# جنگ کارگری

نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)  
شماره ۱

سندیکاها باید بدون نظارت و کنترل کارفرما اداره شوند - ۵

ممانعت از تشکیل سندیکای مستقل و آزاد خلاف مقوله‌نامه‌های بین‌المللی است

دولت جمهوری اسلامی مانع تشکیل سندیکا و تشکل‌های مستقل و آزاد کارگری می‌شود و مقوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ را اجرا نمی‌کند و درخواست سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه‌های کارگری برای اجرای مقوله‌نامه‌های بنیادین را تاکنون بی‌پاسخ گذاشته است. یکی از وظایف کنفرانس بین‌المللی کار نظارت بر اجرای کنوانسیون‌ها و توصیه‌نامه‌ها در کشورهای عضو است. دولت‌های عضو موظف به ارائه گزارش در زمینه عملکردشان در رابطه با مقوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های ملحق شده یا نشده هستند. معمولاً کنفرانس "گزارش‌های جهانی" در ارتباط با حقوق اساسی کلر مانند "آزادی سندیکایی" و... از حکومت‌ها سؤالات و گزارش‌هایی را برای پاسخ گرفتن درخواست می‌کند تا بلکه در کنفرانسی که برگزار می‌کنند آن موضوعات را مورد بررسی قرار دهند. سال‌هاست که رهبران سندیکایی مستقل به خاطر سرکوب سندیکاها با کمک کنفدراسیون‌های کارگری جهانی از ایران به سازمان بین‌المللی کار شکایت می‌کنند. و مسئولین ذی‌ربط این سازمان مرتب در این مورد به دولت ایران برای رعایت مقوله‌نامه‌ها تذکر می‌دهند و وزیران کار ایرانی شرکت کننده در اجلاس‌های این سازمان وعده اجرای مقوله‌نامه‌ها را می‌دهند، ولی در عمل به وعده‌های خودشان پایبندی نشان نمی‌دهند. در شرایط کنونی که حکومت اسلامی ایران در آن بسر می‌برد چنین مراجعاتی چهره رژیم را هر چه بیشتر در عرصه جهانی افشا می‌کند و حکومت می‌داند که به وجود آمدن چنین فضایی در شرایط تحریم‌ها به ضررش است. اطلاع از مفاد مقوله‌نامه‌های بین‌المللی و آموزش آن در میان فعالین تشکل‌های کارگری و کارگران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است

نیاز به سندیکا بیش از هر زمانی

وضعیت نابسامان معاش، تحریم‌ها و اوضاع وخیم اقتصادی کشور؛ گرانی و فقر روزافزون، اخراج کارگران و بیکار شدنشان و عدم پرداخت ماه‌ها حقوق معوقه، آن‌هم حقوقی که غالباً زیر خط فقر است، عرصه زندگی را بر کارگران و زحمتکشان و خانواده‌هایشان بسیار دشوار کرده است. اعتراضات و اعتصابات کارگری در بسیاری از مراکز بزرگ و کوچک صنعتی و تولیدی ظرف یک سال گذشته افزایش یافته است. صدها هزار کارگر برای زنده ماندن خود و خانواده‌هایشان خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شده‌اند و با خواستار افزایش دستمزدهای خود می‌باشند. برای دستیابی به مطالبات و حقوق صنفی خود کارگران راه چاره‌ای جز تشکیل سندیکا ندارند. تشکل‌های مستقل و آزاد کارگری که بتواند حرف دل آنان را بزند و در وضعیت دشوار اقتصادی از منافع آنان در برابر کارفرمایان و دولت دفاع کند

در این وضعیت حرف غلطی نیست که گفته شود بخش عمده مشکلات کارگران نداشتن حق تشکل است. اگر کارگران از حق تشکل برخوردار بودند و می‌توانستند آزادانه و بدون نگرانی از اخراج و زندان سندیکا و اتحادیه تشکیل دهند و از حق و حقوقشان دفاع کنند، امکان نداشت که این همه حقوقشان پایمال شود و دچار فقر و نداری شوند. البته هیچ‌چیز نمی‌تواند جای تشکل و سندیکا را برای کارگر بگیرد. ولی کارگران باید تا زمانی که نتوانسته‌اند حق تشکلشان را به دست آورند تلاش کنند از طریق استفاده از رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی خلا تشکل را تا حدودی پر کنند. در حوزه روابط کار می‌بایست تغییرات محسوسی ایجاد شود. به‌عنوان مثال باید کانال‌هایی برای رساندن صدای کارگران به یکدیگر و رساندن خواسته‌هایشان به دولت و کارفرما و بلزتاب هم‌زمان آن‌ها در رسانه‌های اجتماعی ایجاد شوند تا صدای کارگر به همه جا برسد. دولت و حکومت با امنتی کردن حقوق سندیکایی و اعتراضات صنفی و تبلیغات دروغ سعی می‌کنند حقیقت اعتراضات کارگری را مخدوش کنند اما آن‌ها به زیان‌های اقتصادی که هرروز به دلیل نابرابری روابط کار به کشور و کارگران تحمیل می‌شود اصلاً توجهی نمی‌کنند

در سال‌های اخیر کارگران تعدادی از بزرگ‌ترین صنایع کشور اعتراض صنفی‌شان را به خیابان‌ها آورده‌اند. این اعتراضات خیابانی به معنی شکست حکومت در مهار اعتصابات کارگری است. اما کارگران معترض با آمدن به خیابان‌ها و طرح خواسته‌هایشان موانع دولتی را از سر راه برمی‌دارند

تشکیل سندیکا یا تشکل مستقل و آزاد کارگری در قوانین ایران

تشکیل سندیکا و فعالیت‌های سندیکایی مغایرتی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ندارد. بنابراین حق تشکیل سندیکا می‌بایست منطبقاً طبق قانون به‌عنوان حقی محفوظ و قابل دفاع برای کارگران محسوب شود. در واقع مواد ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی ایران اجازه تشکیل تشکل‌های مستقل، آزاد و صنفی کارگران را می‌دهد اما ماده ۱۲۱ قانون کار، کارگران را ملزم کرده فقط در تشکل‌های رسمی که در قانون کار از آن‌ها نام‌برده شده مانند "شوراهای اسلامی کار"، "انجمن‌های صنفی کارگری" و "نمایندگان کارگری" که اکثرشان تشکل کارگری آزاد و مستقل نبوده و سندیکا هم محسوب نمی‌شوند، عضو شوند و بدین ترتیب کارگران را از حق تشکیل سندیکای مستقل و آزاد منع کرده‌اند. طرف دهه گذشته تا امروز فعالین کارگری برای تشکیل سندیکا و دفاع از حقوق کارگران هزینه‌های بسیار بالایی را در جامعه پرداخته‌اند. اما مبارزه برای تشکل مستقل و آزاد همچنان در مراکز کارگری ادامه دارد و آگاهی‌ها نسبت به داشتن تشکل‌های مستقل کارگری مانند سندیکا در میان کارگران رو به فزونی است



# جنگ کارگری

نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)  
شماره ۱

## وضعیت تشکلهای رسمی کارگری در جمهوری اسلامی

قانوناً کارگران در ایران، سه نوع "تشکیلات صنفی" دارند. هر سه این تشکیلات به لحاظ حقوقی عمیقاً هم زیر نفوذ کارفرمایان و هم زیر سیطره دولت هستند. بنابراین تشکلهای کارگری "مجاز" در قانون کار نه فقط از کارفرمایان بلکه از دولت نیز مستقل نیستند. در سه تشکیلات "شوراهای اسلامی کار"، "انجمنهای صنفی کارگری" و "نمایندگان کارگری"، عملاً محوریت با شوراهای اسلامی کار است. این شوراهای به عنوان یکی از تشکلهای رسمی "کارگری" و مورد تأیید قانون کار و دولت است. این تشکلهای در تمامی کارگاهها شکل نگرفتهاند و چندان شباهتی هم به تشکلهای و سندیکاهای مستقل کارگری مطابق معیارهای سازمان بین المللی کار ندارند. ظرف دهه گذشته طبق آمار رسمی مشارکت کارگران در شوراهای اسلامی کار بسیار کم رنگ شده است و کارگران زیادی از این شورا فاصله گرفته اند. در ضمن انتخاب اعضا در این شوراهای دموکراتیک نیست. معمولاً هر تشکلی دارای سه ارگان مجمع عمومی، هیئت مدیره و بازرسان است، شوراهای اسلامی کار فقط دو رکن مجمع عمومی کارکنان و اعضای شورا را دارا می باشند. نامزدهای شورا برای انتخاب شدن، در هیئت نظارتی که متشکل از نمایندگان کارفرما، دولت و کارگران است می بایست صلاحیتشان مورد تأیید واقع شوند و این به معنای دخالت علنی و مستقیم در امور شوراهای اسلامی است. طبق بند سوم و چهارم قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار، وزارت کار دخالت مستقیم در انحلال این تشکلهای دارد.

واژه "اعتصاب" یا حق اعتصاب در هیچ جای قانون اساسی جمهوری اسلامی و حتی در قوانین مربوط به شورای اسلامی کار اشاره و به رسمیت شناخته نشده است. حتی وقتی که درباره اختیارات شوراهای اسلامی کار صحبت می شود بلافاصله در یک تبصره توضیح داده شده است که "اعمال نظارت شورا نباید موجب توقف امور واحد گردد." در واقع می توان چنین نتیجه گیری کرد که نمایندگان شوراهای اسلامی باید از پالیسیهای دولتی عبور کنند تا مورد صلاحیت قرار بگیرند و در نهایت فقط به عنوان تشکلهای رسمی و صرفاً مشورتی عمل کنند. بنابراین در نزدیک به چهار دهه گذشته با تشکیل شوراهای اسلامی کار، راه بر تشکیل هر تشکل مستقل و آزاد دیگر کارگری در ایران بسته شده است چراکه دولت و ارگانهای امنیتی آن به بهانه وجود یک "تشکل کارگری"، اجازه فعالیت به نهادهای دیگر کارگری را نمی دهند. برای شناخت بهتر از میزان تأثیرگذاری این تشکلهای رسمی و دولتی در دفاع از حقوق کارگران باید توجه دهیم که در ۴۰ سال گذشته باینکه این سه تشکیلات در بالاترین سطوح تشکیلاتی "کارگری" فعال بوده اند، اما آنها هیچ گاه نخواستند مقاومتی جدی در دفاع از حقوق کارگران و علیه بی اثر کردن قانون کار در جامعه و در محافل کارگری به وجود آورند.

## سخن پایانی

با وجود ممانعت و محدودیتها برای فعالیت تشکلهای و سندیکاهای مستقل و آزاد کارگری و اعمال فشارهای امنیتی و محکومیتهای زندان علیه فعالین کارگری، اعتراضات کارگری در ایران رشد قابل توجهی به لحاظ کمی و کیفی داشته است و در مواقعی بخشی از اعتراضات به سطح شهرهای بزرگ نیز کشیده شده است. ظرف دو سال گذشته ما شاهد هزاران اعتراض کارگری در تمامی بخشهای صنعتی و خدماتی و دولتی بوده ایم. روشن است طبقه کارگر ایران تا هنگامی که فاقد تشکلهای آزاد، مستقل و سرتاسری باشد که بتواند از منافعش دفاع کند طبعاً از شرایط غیر دموکراتیک و سرکوب که پیوسته بخش جدایی ناپذیر نظام سیاسی کشور بوده است، رنج خواهد برد.

در تمام این سالهای گذشته سندیکاهای مستقل و آزاد کارگری در قوانین ایران ممنوع شده اند و دولت کنترل شدیدی را بر کلیه نهادهای قانونی که به اصطلاح نماینده کارگران هستند اعمال می کند. حق اعتصاب هرگز به صراحت پذیرفته نشده و در عمل اعتصابها با خشونت و محکومیتهای سنگین زندان سرکوب می شوند. تمام تلاشها در سالهای اخیر برای تشکیل اتحادیههای مستقل کارگری به شدت سرکوب و فعالان کارگری از کار اخراج شده اند، و مورد آزار و تعقیب قرار گرفته اند و به اتهامهایی از جمله "اقدام علیه امنیت ملی" و "تبلیغ علیه نظام" زندانی شده اند.

رژیم جمهوری اسلامی هرگونه تشکل یابی یا انجام رفورم در قوانین کشور را امنیتی و خطرناک تلقی می کند و عملاً راه را بر هرگونه اصلاحات در امر تشکل یابی کارگران سد کرده است. برای عبور از بن بست قانونی تشکل یابی کارگران نمی توان به قوانین جمهوری اسلامی متوسل شد. عبور از این موانع بسیار دشوار و سخت است و کارگران در هر واحد صنعتی، خدماتی و دولتی می بایست خود ابتکار تشکیل سندیکاهای آزاد و مستقل را به صورت علنی و مستقیم به عهده بگیرند.

تجربه شورای کارگران هفت تپه و فولاد اهواز نشان داد که دولت، رهبران خانه "کارگر" و ارگانهای امنیتی آن به دنبال برچیدن تشکلهای مستقل و آزاد کارگری از طریق جایگزینی شوراهای اسلامی کار به عنوان تشکلهای وابسته به حکومت و کارفرمایان می باشند. تنها آلترناتیو شوراهای اسلامی کار تشکیل تشکل مستقل کارگری از دولت و کارفرماست. فقط در این وضعیت است که می توان با قدرت به مراتب بالاتری برای احقاق حقوق کارگران در عرصه های مختلف من جمله بهبود کار، دستمزد، شرایط ایمنی و ... مبارزه کرد.





# جنگ کارگری

نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فداییان خلق)  
شماره ۱

## اتحادیه‌های کارگری و بنای یک پیکربندی اعتراضی ویژه تونس - بخش اول



پنجشنبه ۱۳ دی ۱۳۹۷ - ۳ ژانویه ۲۰۱۹

ارتباط بین اتحادیه عمومی و انقلاب یک اتفاق طبیعی بشمار می رفت، چراکه خواست توده مردم - مشخصاً اشتغال، کرامت ملی و آزادی - همواره بخش عمده‌ای از برنامه اتحادیه بوده است. اتحادیه البته در مناطق دوردست که مرکز اشتغال انقلاب و ناآرامی‌ها بود نیز حضور فعال داشت.

**مجد صالح عمری**

ترجمه: گودرز اقتداری

برای شناخت تونس باید با جنبش کارگری این کشور آشنایی یافت. اتحادیه عمومی کارگران تونس (UGTT) در تاریخ و شرایط امروزی در سرتاسر تونس از تداومی بهره برده است که فقط با حزب حاکم دوران بورژوازی و بن علی قابل مقایسه است.

تونس با تندترین بحران سیاسی خود از ۲۰۱۱ تاکنون روبروست. بحران در اعتماد بین دولت و معترضان، با تشدید اقدامات تروریستی و سقوط اقتصاد افزون‌تر شده است. با این وجود یک اتحادیه محلی می‌تواند حافظ تونس در این شرایط بحرانی باشد و اگر چنین شود برای نخستین بار نیست که این اتحادیه غیرمعمولی به این امر مبادرت می‌ورزد. اتحادیه عمومی کارگران تونس (UGTT) شاخصه سیاسی تونس را از سال ۱۹۴۲ تاکنون شکل داده است. همین اتحادیه توانست بر انقلاب در سال ۲۰۱۱ و اصلاحات پس‌از آن تأثیرات غیرقابل‌انکاری بگذارد. اتحادیه عمومی کارگران تونس به‌واقع در سراسر جهان عرب از این نظر بی‌همتاست، بیشتر به این دلیل که تونس مانند مصر، سوریه یا یمن نیست و از همین روی است که برای شناخت تونس باید به اتحادیه کارگری در این کشور هم اشراف عمیق پیدا کرد.



# جنگ کارگری

نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)  
شماره ۱



## گهوارهٔ اعتراضات و پناهگاه

جنبش اتحادیه‌های صنفی در تونس شاخصه‌های ملی و بین‌المللی ویژه‌ای در خود دارد که به مؤسس آن، مجدعلی الهامی (1890-1928)، و تأسیس فدراسیون عمومی کارگران تونس در آغاز قرن بیستم بازمی‌گردد. اما نقش کاریزماتیک و آینده‌نگری فرحات حشاد (1914-1952) بود که یک سازمان قدرتمند و ریشه در خاک را به وجود آورد. حشاد سازماندهی را در فدراسیون فرانسوی CGT فراگرفت و به مدت 15 سال، تا زمان انشعاب در این فدراسیون، و تأسیس UGTT در 1946 در آن کار می‌کرد. اتحادیهٔ جدیدالتأسیس بلافاصله و به سرعت شکل گرفت و توسعه یافت و در ارتباط تنگاتنگ با سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفت. حشاد از آن برای فشار به فرانسه برای تحقق آزادی‌ها در تونس و احقاق حق اتحادیه‌ها به‌عنوان یک اهرم کلیدی در جنبش استقلال ملی بهره گرفت. اتحادیه ملی به خاطر نقش سازنده‌اش در جنبش استقلال‌طلبی از استعمار فرانسه، از همان آغاز نقش بارزی در ساختار سیاسی تونس پیدا کرده بود، و این نقش را تا همین امروز هم به قدرت حفظ کرده است.

این اتحادیه با 150 دفتر در سراسر کشور که شامل یک دفتر در هر حوزه و محله دولتی می‌شود، و بیش از 680 هزار عضو جاری، عملاً محور و بدیل معتبری برای قدرت سیاسی یک حزب در مبارزه و مقاومت به شمار می‌رود، تا بدان اندازه که عضویت در اتحادیه به‌مثابه مخالفت و مبارزه با حزب حاکم تعبیر می‌شود. اتحادیه عمومی کارگران تونس UGTT نتیجه مقاومت تونس و درعین حال زاینده انقلاب هم هست. به‌طور مثال UGTT در سال 1984 خود را در جبهه مردم معترض در جریان شورش نان قرار داد، در 2008 همچون کاتالیزور اصلی جنبش نافرمانی در مناطق معدنی جفسا عمل کرد و در دسامبر 2010، به ویژه شاخه معلمان و دفاتر محلی آن، به ستاد انقلاب علیه بن علی تبدیل شدند.

ارتباط بین اتحادیه عمومی و انقلاب یک اتفاق طبیعی بشمار می‌رفت، چراکه خواست توده مردم - مشخصاً اشتغال، کرامت ملی و آزادی - همواره بخش عمده‌ای از برنامه اتحادیه بوده است. اتحادیه البته در مناطق دوردست که مرکز اشتغال انقلاب و ناآرامی‌ها بود نیز حضور فعال داشت.

به این دلایل دولت‌های متوالی سعی کرده‌اند که با اتحادیه عمومی همکاری کنند، آن را تحت فشار بگذارند یا تغییرش دهند. آنها بر اساس واقعیت توازن قوا سعی کرده‌اند اتحادیه را مقهور و فاسد سازند. در سال 1978، UGTT به یک اعتصاب عمومی سرتاسری دست زد تا به‌زعم خود از کودتای دولت بورژوازی برای تغییر یکی از رهبران اتحادیه که بسیار قدرتمند شده بود و موضعی در مقابل دولت می‌گرفت، جلوگیری کند. هزینه این مقاومت در تاریخ اتحادیه تنها با ترور مؤسس آن در سال 1952 قابل قیاس بود. تمام اعضای هیئت رهنبری اتحادیه در این جریان تحت تعقیب قضایی قرار گرفته و محاکمه شدند و سپس با افراد وابسته به دولت جایگزین شدند. اعتراضات و شورش‌های در پیامد این کودتای دولتی با دخالت ارتش سرکوب شد و منجر به قتل ده‌ها تن از کارگران شد.



# جنگ کارگری

نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فداییان خلق)  
شماره 1

چرا هنوز این همه شغل وجود دارد؟

## تاریخ و آینده اتوماسیون کار



پیشرفت تکنولوژیکی، تازان به جلو، می رود تا برخی از انسان ها، و حتی شاید بسیاری از انسان ها، را پشت سر باقی بگذارد. چنان که ما نشان دادیم، برای کارگرانی با مهارت های خاص یا تحصیلات مناسب، هرگز زمانی بهتر از حالا وجود نداشته است، زیرا این گروه از کارگران می توانند تکنولوژی را برای خلق و تسخیر ارزش به کارگیرند.

**دیوید اچ. اوتور**

### بخش اول

در خلال دو قرن گذشته مکرراً در این باره که اتوماسیون و فناوری های جدید تعداد زیادی از مشاغل - خاصه مشاغل متعلق به طبقات متوسط - را از بین خواهند برد، هشدار داده شده است. بهترین نمونه اولیه از این دست، جنبش لودیت در اوایل قرن نوزدهم است، که در آن گروهی از صنعتگران نساجی انگلیس با اقدام به شکستن ماشین های بافندگی دست به اتوماسیون تولید منسوجات زدند. یک نمونه کمتر شناخته شده اما نزدیک تر، ابزار نگرانی نشریه تایم در تیتیر "بیکاری اتوماسیون"، که برای یکی از مقالات خود در شماره مورخ 24 فوریه 1961 برگزیده بود و زیر این عنوان نوشته بود:

تعدد مشاغل از دست رفته ای که جای خود را به ماشین های کارآتر سپرده اند، فقط جزئی از مسئله است. آنچه موجب نگرانی بسیاری از صاحب نظران این عرصه است، این است که اتوماسیون می تواند مانع اقتصاد از ایجاد مشاغل جدید کافی باشد. ... گرایش در تمام صنایع تولید بیشتر با نیروی کار کمتر است. ... بسیاری از مشاغل از دست رفته در کارخانه ها با افزایش مشاغل در بخش های خدمات و اداری جبران شده اند، اما اتوماسیون می رود که به بخش اداری هم نفوذ کند و مشاغل را در این بخش هم از بین ببرد. ... در گذشته تعداد مشاغلی که صنایع جدید ایجاد می کردند به مراتب بیشتر از تعدادی بود که کنار می گذاشتند. اما این نکته دیگر در مورد بسیاری از صنایع جدید امروزی صادق نیست. این صنایع مستعد تعداد بالنسبه کمی شغل برای کارگران ساده و نیمه ماهر اند، یعنی درست آن گروه از کارگران که اتوماسیون آنان را از عرصه کار بیرون کرده است.

نگرانی نسبت به اتوماسیون و امحای مشاغل در خلال سال های 50 و اوایل 60 قرن گذشته چندان بالا گرفت که در سال 1964 لیندون جانسون، رئیس جمهور وقت امریکا، کمیسیونی را، به نام "کمیسیون عالی ملی در تکنیک، اتوماسیون و پیشرفت اقتصادی"، مأمور تحقیق در مسئله تولیدگری در آن دوره کرد. مسئله مشخص مورد تحقیق کمیسیون این بود که تولیدگری چندان سریع رشد می کرد که امکان داشت از تقاضا برای کار پیشی جوید. کمیسیون نهایتاً به این نتیجه رسید که اتوماسیون تهدیدی برای کار نیست: "تغییر تکنولوژیکی (همراه با اشکال دیگر تغییرات اقتصادی) یک عامل مهم در تعیین دقیق مکان ها، صنایع و انسان هایی است که قربانی بیکاری می شوند، اما این سطح عمومی تقاضا برای کالاها و خدمات است که با فاصله بسیاری از دیگر عوامل، تعیین می کند چه تعداد بیکار شوند، چه مدت بیکار نمانند، و نیز این که یافتن کار برای تازه واردان به بازار کار تا چه میزان دشوار است. حقیقت پایه ای این است که تکنولوژی مشاغل را از بین می برد و نه کار را."

با این حال کمیسیون واقعیت کاهش مشاغل توسط تکنولوژی را چندان جدی گرفت که به اقدامات زیر توصیه کرد: یک درآمد تضمین شده حداقلی برای هر خانواده، عملکرد دولت به عنوان کارفرما و آخرین ملجأ هسته سخت بیکاران، آموزش مجانی دوساله در تمام مؤسسات و کالج های فنی- حرفه ای، خدمات کامل استخدامی تحت مدیریت دولت فدرال، و حمایت مالی فردی توسط بانک فدرال، مستقل از بانک های ایالتی، در زمینه توسعه اقتصادی.

اخیراً این قبیل نگرانی ها دوباره سر برداشته اند. اریک برین یولفسون و آندره مک آفی، اساتید انستیتو تکنولوژی ماساچوست، در کتابشان به نام دومین دوره ماشینی، منتشره در سال 2014 که مباحثات وسیعی را برانگیخته است، تصویر دغدغه آوری از عواقب ممکن اتوماسیون برای کار ترسیم می کنند:

دیجیتالی شدن سریع و شتابان احتمالاً اختلالاتی را در اقتصاد موجب شود تا در محیط پیرامونی، این روند ناشی از این واقعیت است که شرکت ها، با قدرتمند شدن کامپیوترها، نیاز کمتری به برخی از انواع نیروی کار انسانی دارند. پیشرفت تکنولوژیکی، تازان به جلو، می رود تا برخی از انسان ها، و حتی شاید بسیاری از انسان ها، را پشت سر باقی بگذارد. چنان که ما نشان دادیم، برای کارگرانی با مهارت های خاص یا تحصیلات مناسب، هرگز زمانی بهتر از حالا وجود نداشته است، زیرا این گروه از کارگران می توانند تکنولوژی را برای خلق و تسخیر ارزش به کارگیرند. در عین حال این نیز هست که برای کارگرانی که فقط از مهارت ها و



# جنگ کارگری

**نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)  
شماره ۱**

قابلیت‌های "عادی" برخوردارند، هرگز زمانی بدتر از حالا وجود نداشته است، زیرا کامپیوترها، ربات‌ها و دیگر تکنولوژیهای دیجیتالی به میزان فوق‌العاده‌ای به این قبیل مهارت‌ها و قابلیت‌ها مجهز اند.

[1] - دیوید اچ. آوتور (David H. Autor) پروفیسور اقتصاد در انستیتو تکنولوژی ماساچوست است. او از سال 2009 تا 2014 سردبیری مجله "چشم‌اندازهای اقتصادی" را به عهده داشت.